ISSN: 2717-3216 *Volume 13, Issue 1 (2026), 31-43* https://www.ijfpjournal.ir/

Iranian Journal of Family Psychology

Research Paper

https://doi.org/10.22034/ijfp.2026.2087612.1507

Parents' Perspectives on the Consequences of Cyberspace for Family Communication Patterns: A Qualitative Content Analysis

Sadegh Fadaei Dehcheshmeh[1], Peyman Hatamian[2*]

1. M.A Student in Rehabilitation Counseling, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor of Psychology, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

Article Info.

Received: 20 Jan 2026

Revised: 10 Apr 2026

Accepted:28 Apr 2026

Published:20 May 2026

Keywords:

Family,

Communication Pattern,

Cyberspace

Abstract

Abstract

Since the consequences of cyberspace span a wide range of domains, from society to family and individual life, the present study aimed to explore parents' perspectives on how cyberspace affects family communication patterns. This qualitative study was conducted in the fall and winter of 2025–2026 using a content analysis approach with latent content analysis. The population consisted of eight Iranian parents with at least two children. Participants were selected through purposive sampling and interviewed using semi-structured interviews until data saturation was achieved. Analysis of the data identified six main categories, including disruption of relationships among family members, changes in family values, distortion of reality in family relationships, parenting challenges, increased behavioral maladjustment within the family, and changes in family cultural patterns. Since these findings were derived directly from interviews with Iranian parents, the results provided a valuable foundation for understanding existing cultural gaps regarding the consequences of cyberspace for family communication patterns. Furthermore, the findings may address many family relationship problems, particularly those involving parents and children, by informing strategies for the effective management of cyberspace use in families.

***Corresponding author**
Email: hatamian.p@lu.ac.ir

How to Cite:
Fadaei Dehcheshmeh, S., Hatamian, P. (2026). Parents' Perspectives on the Consequences of Cyberspace for Family Communication Patterns: A Qualitative Content Analysis. *Iranian Journal of Family Psychology. 13*(1), 31-43. https://doi.org/10.22034/ijfp.2026.2087612.1507

©The Author(s). Published by Family Psychology Association of Iran.
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

ISSN: 2717-3216 https://www.ijfpjournal.ir/

روانشناسی خانواده

دوره سیزدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵



مقاله پژوهش کیفی

دیدگاه والدین درباره‌ی پیامدهای فضای مجازی بر الگوی ارتباطی خانواده: تحلیل محتوای کیفی

صادق فدائی ده‌چشمه[۱]، پیمان حاتمیان[۲*]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. استادیار روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۳۰

بازنگری: ۱۴۰۵/۰۱/۲۱

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۸

انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/ ۳۰

کلیدواژه‌ها:

خانواده،

الگوی ارتباطی،

فضای مجازی

چکیده

چکیده

از آنجایی که پیامدهای فضای مجازی گستره وسیعی از جامعه تا خانواده و فرد را در بر می‌گیرد، بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی دیدگاه والدین درباره‌ی پیامدهای فضای مجازی بر الگوی ارتباطی خانواده انجام شد. مطالعه حاضر از نوع طرح‌های کیفی بود که به روش تحلیل محتوا و به شیوه‌ی تحلیل نهفته در پاییز و زمستان ۱۴۰۴ انجام شد. جامعه هدف شامل ۸ نفر از والدین ایرانی که حداقل دارای دو فرزند بودند را شامل می‌شد، که به روش نمونه گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع با آن ها مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته انجام گرفت. تحلیل یافته‌ها منجر به کشف شش طبقه اصلی، از قبیل: گسست روابط بین اعضای خانواده، تغییر در ارزش‌های خانواده، تحریف واقعیت در روابط خانوادگی، مشکلات فرزندپروری، افزایش ناسازگاری رفتاری در خانواده و تغییر در الگوهای فرهنگی خانواده شد. از آنجا که محتوای شناسایی شده براساس مصاحبه مستقیم با والدین ایرانی کشف و استخراج شده اند، نتایج پژوهش می تواند بستر مناسبی را برای شناخت خلاءهای فرهنگی موجود در زمینه پیامدهای فضای مجازی بر الگوی ارتباطی خانواده فراهم آورد و موجب کمک به حل بسیاری از مشکلات مرتبط با روابط اعضای خانواده مخصوصا والدین و فرزندان حول محور مسایل مرتبط با مدیریت فضای مجازی گردد.

***نویسنده مسئول:**

پست الکترونیکی: hatamian.p@lu.ac.ir

استناد به این مقاله:

فدائی ده‌چشمه ، صادق ، حاتمیان ، پیمان. (۱۴۰۵). دیدگاه والدین درباره‌ی پیامدهای فضای مجازی بر الگوی ارتباطی خانواده: تحلیل محتوای کیفی. *روانشناسی خانواده، ۱۳* (۱)، ۴۳-۳۱.

مقدمه

پیدایش و گسترش فضای مجازی، که عمدتاً در دهه اخیر رخ داده است، تحولات چشمگیری را در جوامع بشری به‌وجود آورده و بسیاری از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را دست‌خوش تغییر کرده است. بدیهی است که چنین دگرگونی‌ها، مسائل نوینی در حوزه‌های اجتماعی، فردی، اخلاقی و فرهنگی پدید آورده‌اند؛ مسائلی که پیش از ظهور و توسعه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی وابسته به آن، سابقه‌ای نداشته است (Mahmoudi et al., 2023). آنچه امروزه بر اهمیت شبکه‌های اجتماعی افزوده و تأثیر آن‌ها را برجسته‌تر نموده، استقبال گسترده کاربران اینترنت به‌ویژه جوانان از این فضاها است، به گونه‌ای که روزانه میلیون‌ها نفر در سراسر جهان به عضویت این شبکه‌ها درمی‌آیند و ساعت‌های قابل توجهی از زمان خود را صرف گشت‌وگذار در آن‌ها می‌کنند، چنین حجم گسترده‌ای از تبادل اطلاعات، منجر به انتقال گسترده ارزش‌ها، هنجارها و داده‌های متنوع به دورترین نقاط جهان می‌شود (Esmaeili et al., 2022).

شبکه‌های اجتماعی مجازی، با فراگیری گسترده در میان کاربران و پوشش وسیع جغرافیایی در محدوده مرزهای ملی، به بستری برای ارتباطات خصوصی و شخصی، فارغ از نظارت و کنترل مستقیم مراجع قدرت تبدیل شده‌اند. این ویژگی، آن‌ها را به ابزاری بی‌همتا در عرصه ارتباطات بدل ساخته و امکان تأثیرگذاری خارج از چارچوب دولت‌ها و نهادهای قدرت را فراهم نموده است، در چنین شرایطی، مفهوم "بحران هویت" به‌عنوان یکی از پیامدهای حاکم بر جهان کنونی مطرح می‌شود، به گونه‌ای که گسترش صنعت ارتباطات، به‌ویژه فضای مجازی، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی سایبری، از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری این بحران در جوامع معاصر به شمار می‌آید (Memar et al., 2013). این شبکه‌ها، علاوه بر فرصت‌های ارتباطی، تهدیداتی را نیز به همراه داشته و به‌عنوان نیروی محرکه‌ای مهم، می‌توانند به‌طور بنیادین نظم اجتماعی را دگرگون سازد (Marbun & Nasution, 2024). با فرا رسیدن عصر فناوری‌های نوین ارتباطی و گسترش فراگیری آن، مفاهیم جدیدی شکل گرفت که همراه با تغییر و تحولات زیادی در زندگی بشر بود، همین مسئله ما را با جهان جدیدی مواجه ساخت، به گونه‌ای که حیات بشر را تحت تاثیر قرار داد و تحولاتی عمیق را در ساختار جوامع و روابط میان افراد پدیدار نمود (Wang et al., 2025).

در مرکز تحولات ناشی از عصر گستردگی فضای مجازی، خانواده‌ها قرار دارند و کودکان و نوجوانان به‌عنوان اعضای کلیدی خانواده از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. امروزه مفاهیم سنتی مرتبط با زندگی خانوادگی، کار، روابط بین‌فردی، تعاملات گروهی، نقش‌های مختلف جوانان در خانواده و جامعه، هنجارهای جنسیتی و فرآیند شکل‌گیری هویت، تحت تأثیر رشد و گسترش ارتباطات دچار تغییرات اساسی شده است (Esmaeili et al., 2022). فضای مجازی چالش‌های مختلفی را بر سوءاستفاده کودکان از تلفن‌های هوشمند، از جمله استفاده مشکل‌ساز از شبکه‌های اجتماعی، مواجهه با محتوای نامناسب، فقدان مهارت‌های دیجیتال، درگیری‌های خانوادگی و کاهش بازی در فضای باز ایجاد می‌کند که منجر به اثرات زیان‌باری می‌شود (Idoiaga-Mondragon et al., 2025). با این حال، باید اذعان کرد که استفاده از رسانه‌های اجتماعی در محیط‌های آموزشی می‌تواند موجب تقویت خودکارآمدی، علاقه و مهارت‌های خودتنظیمی یادگیرندگان شود. این یافته‌ها بر تأثیرات مثبت روان‌شناختی پلتفرم‌های دیجیتال بر بهبود نتایج یادگیری تأکید می‌کنند (Dai et al., 2025). همچنین ارتباطات جهانی بین اعضای خانواده را تسهیل می‌کند و به افراد اجازه می‌دهد تا با دوستان و اقوام در سراسر جهان ارتباط برقرار کنند (Hertlein & Ancheta, 2014). یکی دیگر از مزایای قابل توجه فضای مجازی، کمک آن به رشد جوامع و خانواده‌ها از طریق انتشار و انتقال فرهنگ‌ها است (Jafari et al., 2016). همچنین بررسی‌های اخیر حاکی از آن است که رسانه‌های اجتماعی با ارائه اطلاعاتی گسترده و متنوع و به‌کارگیری توانمندی‌های فکری جمعی کاربران از مناطق جغرافیایی گوناگون، نقشی اساسی در تاثیرگذاری بر پویایی‌های خانوادگی و نتایج مرتبط با سلامت روان ایفا می‌نمایند (Alwuqaysi, 2025).

در این میان، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حیات خانوادگی، الگوهای ارتباطی خانواده است. از منظر نظریه الگوهای ارتباطی خانواده، روابط خانوادگی در دو بعد اصلی جهت‌گیری گفت‌وگو و جهت‌گیری همنوایی شکل می‌گیرد. جهت‌گیری گفت‌وگو بیانگر میزان تبادل آزادانه افکار و احساسات میان اعضای خانواده است و جهت‌گیری همنوایی به میزان تأکید خانواده بر هماهنگی، توافق و ارزش‌های مشترک اشاره دارد. بر اساس این نظریه، هر عاملی که بر کیفیت تعاملات، گفت‌وگوها و فرایندهای ارتباطی اعضای خانواده اثر بگذارد، می‌تواند الگوهای ارتباطی خانواده را نیز دستخوش تغییر سازد. از این رو، فضای مجازی به عنوان یکی از مهم‌ترین بسترهای ارتباطی عصر حاضر، ظرفیت آن را دارد که ساختار و کیفیت روابط خانوادگی را تحت تأثیر قرا دهد (Koerner & Fitzpatrick, 2002). پژوهشگران معتقدند الگوهای ارتباطی خانواده عمدتا بر دو بعد جهت‌گیری گفت‌وگو و جهت‌گیری همنوایی استوار هستند. جهت‌گیری گفت‌وگو بیانگر میزان تشویق اعضای خانواده به تبادل آزادانه افکار، احساسات و تجربیات است، در حالی که جهت‌گیری همنوایی بر حفظ هماهنگی، توافق و پذیرش ارزش‌های مشترک در خانواده تأکید دارد. نحوه شکل‌گیری این ابعاد می‌تواند بر کیفیت روابط خانوادگی، حل تعارض‌ها، سلامت روان اعضا و سازگاری آنان با تغییرات اجتماعی و فناوری‌های نوین تأثیرگذار باشد (Zhan & You, 2024).

با این حال، یکی از پیامدهای منفی فضای مجازی (علی رغم مزایای آن) تغییرات گسترده در الگوی ارتباطی خانواده‌ها است. الگوهای ارتباطی خانواده پس از توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، به ویژه در عصر دیجیتال کنونی، به طور قابل توجهی تغییر کرده‌اند (Dalimunthe et al., 2020). در اوایل زندگی انسان‌ها، خانواده اولین گروه اجتماعی بود که در آن اعضا یاد می‌گرفتند و خود را به عنوان انسان‌های اجتماعی در تعامل با گروهشان ابراز می‌کردند. برای اینکه اعضای خانواده پیوند قوی و نیاز متقابل را احساس کنند، ارتباط در یک خانواده واقعی بسیار مهم است، رشد روانی اجتماعی اعضای خانواده و روابط آنها تا حد زیادی تحت تأثیر الگوهای ارتباطی درون خانواده قرار دارد (Dalimunthe et al., 2024). با این حال، با پیشرفت سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات، به ویژه در عصر دیجیتال کنونی، تغییرات کاملاً چشمگیری در الگوهای ارتباطی خانواده ایجاد شده است. فناوری دیجیتال منجر به تحولی اساسی در نحوه تعامل و ارتباط انسان‌ها شده است (Yulia & Sidharta, 2023).

Anisti et al. (2023) در پژوهشی دریافتند که عصر فناوری‌های دیجیتال تاثیرات منفی فراوانی را بر الگوهای ارتباطی درون خانواده بر جای گذاشته است. Haj Mohammadi and Haj Mohammadi (2017) در مطالعه‌ای که با هدف بررسی تأثیرات اخلاقی استفاده از فضای مجازی را بر پیوند زناشویی و روابط فرزندان در خانواده انجام دادند، دریافتند که طیف وسیعی از پیامدهای فضای مجازی شامل مواردی از قبیل؛ تضعیف نقش خانواده به‌منزلهٔ مرجع، کاهش ارتباط والدین با فرزندان، بی‌اعتمادی زوجین به یکدیگر، دروغگویی، افزایش فاصلهٔ عاطفی و روحی زوجین و اعضای خانواده از یکدیگر، افزایش طلاق و هنجارشکنی‌های اخلاقی، ترویج عشق‌های مجازی، بی‌توجهی به مسئولیت ها، تضعیف ارزشهای اخلاقی، افزایش ارتباطات نامشروع شده است. Tadpatrikar et al. (2021) در مطالعه‌ای سیستماتیک که با هدف تأثیر استفاده از فناوری بر الگوها و عملکرد ارتباطی خانواده انجام دادند، دریافتند که برخی از فناوری‌های نوین ارتباطی تاثیر منفی بر الگوهای ارتباطی خانواده به دنبال دارند.

یکی از ابعاد کمتر کاوش‌شده در این حوزه، بررسی دیدگاه والدین ایرانی نسبت به تأثیرات فضای مجازی بر الگوی ارتباطی درون خانواده است. گرچه پژوهش‌هایی به بررسی آسیب‌های فضای مجازی در میان نوجوانان یا تأثیر آن بر روابط همسران پرداخته‌اند، اما دیدگاه والدین به‌عنوان ناظران فعال و تأثیرگذار در محیط خانوادگی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

برای مثال، Ben Lahbib et al. (2025) نشان دادند که رسانه‌های اجتماعی با ایجاد الگوهای جدید تعامل، حریم خصوصی، انسجام و کیفیت روابط درون خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین Amirudin et al. (2025) دریافتند که رسانه‌های اجتماعی می‌توانند الگوهای ارتباطی خانواده را دگرگون کرده و در برخی موارد به تعارض‌های بین‌نسلی و اختلال در فرایند تبادل پیام‌ها در خانواده منجر شوند. افزون بر این Tabatabaei et al. (2024) در پژوهشی بر روی کاربران ایرانی نسل Z نشان دادند که افزایش استفاده و وابستگی به شبکه‌های اجتماعی با تضعیف پیوندهای خانوادگی و کاهش کیفیت ارتباطات عاطفی در خانواده همراه است. با وجود این، دیدگاه والدین به‌عنوان ناظران فعال و تأثیرگذار در محیط خانواده درباره پیامدهای فضای مجازی بر الگوهای ارتباطی خانواده کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که فهم عمیق‌تر از تجربه‌ها، نگرانی‌ها و برداشت‌های والدین می‌تواند به سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و تربیتی مؤثرتر کمک کند. همچنین یافته‌های این پژوهش می‌تواند مبنایی برای طراحی برنامه‌های آموزشی ویژه والدین در زمینه مدیریت استفاده از فضای مجازی، ارتقای سواد رسانه‌ای خانواده، تقویت مهارت‌های ارتباطی والد-فرزند و پیشگیری از آسیب‌های ناشی از استفاده نامناسب از شبکه‌های اجتماعی فراهم آورد. افزون بر این، نتایج پژوهش می‌تواند در اختیار مشاوران خانواده، روان‌شناسان، برنامه‌ریزان آموزشی و سیاست‌گذاران حوزه خانواده قرار گیرد تا با شناخت دقیق‌تر چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از فضای مجازی، مداخلات و برنامه‌های حمایتی متناسب با نیاز خانواده‌های ایرانی طراحی و اجرا شود. بر این اساس، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل محتوای کیفی به بررسی دیدگاه والدین ایرانی درباره‌ی پیامدهای فضای مجازی بر الگوهای ارتباطی خانواده می‌پردازد. هدف آن است که از خلال تحلیل داده‌های کیفی، ابعاد مختلف این پدیده از منظر والدین استخراج شود، بنابراین می‌توان سوال کرد، دیدگاه والدین درباره‌ی پیامدهای فضای مجازی بر الگوی ارتباطی خانواده چیست؟

روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش کیفی استقرایی و به روش تحلیل محتوی نهفته بود. هدف تحلیل محتوا نهفته، بر خلاف تحلیل محتوای آشکار، در واقع سازماندهی و استخراج معنی از داده‌های جمع آوری شده و نتیجه گیری واقع بینانه از آن است. Krippendorff (2004) تحلیل محتوا نهفته را به عنوان «یک روش تحقیق برای انجام استنتاج‌های قابل تکرار و معتبر از متون و مصاحبه ها (یا سایر مطالب معنی دار) در زمینه‌های مورد استفاده از آنها » تعریف می‌کند. جامعه هدف مطالعه شامل؛ ۸ نفر از والدین ایرانی (آقا و خانم) در پاییز و زمستان سال ۱۴۰۴ بود، که به روش نمونه‌گیری هدفمند با تعدادی از آنها مصاحبه نیمه ساختار یافته توسط متخصص مشاوره انجام شد. مصاحبه‌ها تا زمان به اشباع رسیدن مقوله‌ها و تا جایی که نیاز به اطلاعات بیشتر برای تبیین نبود، ادامه پیدا کرد. ملاک‌های ورود برای شرکت‌کننده شامل؛ داشتن حداقل دو فرزند بالای ۱۰ سال رضایت جهت شرکت در مصاحبه و حداقل مدرک دیپلم بود. از جمله ملاک‌های خروج نیز؛ عدم پاسخ گویی به سوالات تا زمانی که مصاحبه کننده به اقناع برسد و نیز عدم تمایل جهت شرکت در مصاحبه بود.

شیوه اجرای پژوهش به این صورت بود که در گام نخست، جامعه در دسترس پژوهش شامل والدینی بودند که در دانشگاه علامه طباطبائی تهران اشتغال داشتند. برای دسترسی به مشارکت‌کنندگان، از طریق اطلاع‌رسانی داخلی دانشگاه از والدین واجد شرایط دعوت شد تا در پژوهش شرکت کنند. در این اطلاع‌رسانی، هدف کلی پژوهش و شرایط ورود به مطالعه توضیح داده شد و از افرادی که ملاک‌های ورود به پژوهش را داشتند درخواست شد در صورت تمایل آمادگی خود را برای شرکت در مصاحبه اعلام کنند. پس از اعلام آمادگی افراد، شرایط ورود به پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و والدینی که واجد ملاک‌های تعیین‌شده بودند به عنوان شرکت‌کننده انتخاب شدند. در گام بعدی، پیش از شروع مصاحبه‌ها، رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان اخذ شد و اهداف پژوهش، نحوه انجام مصاحبه و محرمانه بودن اطلاعات برای آنان توضیح داده شد. سپس از افراد شرکت‌کننده خواسته شد اطلاعات جمعیت‌شناختی خود از جمله سن، تعداد فرزند و مدرک تحصیلی را بیان کنند.

در ادامه، مصاحبه‌ها به‌صورت فردی انجام شد و تلاش شد فضایی آرام و مناسب برای بیان تجربیات شرکت‌کنندگان فراهم شود. مصاحبه با طرح سوالاتی که مرتبط با هدف پژوهش طراحی شده بودند به صورت باز پاسخ از آنها پرسیده می شد (سوالاتی از قبیل؛ با توجه به تجربیاتتون نظر کلی شما را در مورد آسیب های فضای مجازی در خانواده ها جویا بشوم؟ چه آسیب های روانشناختی و رفتاری به دنبال عدم نظارت و عدم مدیریت اعضای خانواده در فضای مجازی ممکن است ایجاد شود؟ از نظر شما حریم خانواده و روابط بین اعضای خانواده به چه صورتی تحت تاثیر این آسیب هاست؟).

قابل ذکر است که قبل از شروع مصاحبه از شرکت‌کنندگان درخواست می‌شد که در هنگام پاسخگویی به سوالات بر مبنای تجربه خود در زندگی روزمره پاسخ گویند. مصاحبه‌ها تا زمان به اشباع رسیدن و تا جایی که نیاز به اطلاعات بیشتر برای تبیین نبود، ادامه پیدا کرد. گفتنی است که در طول زمان مصاحبه با کسب اجازه از مصاحبه شونده جلسات مصاحبه ضبط می‌شد و بعد از انجام هر مصاحبه بلافاصله پیاده سازی انجام می‌گرفت. از آنجایی که شیوه تجزیه و تحلیل این مطالعه، تحلیل محتوی نهفته بود و آغاز تحلیل داده ها با اولین مصاحبه شروع می‌شد و همگام با انجام مصاحبه‌ها تحلیل داده ها انجام می‌گرفت، بنابراین پس از پیاده سازی چندین بار محتوا بررسی می‌شد تا پژوهشگر به درک کلی از محتوا دست یابد. جهت ارزیابی روایی محتوایی در مورد میزان هماهنگی زیر طبقات و طبقات از متخصصان صاحب نظر پسخوراند لازم را در ارتباط با طبقه بندی ارائه دادند و مطابق با نظر Lincoln and Guba (1986) از ۴ معیار قابلیت اعتبار، قابلیت ثبات و اطمینان، قابلیت انتقال پذیری و تایید پذیری استفاده گردید. و بر اساس آن موارد لازم اصلاح شد. جهت کسب **قابلیت اعتبار** تلاش شد تا شرکت کنندگان با حداکثر تنوع تجربیات متناسب با موضوع مورد مطالعه انتخاب شوند و نمونه گیری تا رسیدن داده‌ها به اشباع ادامه یافت. برای سنجش **قابلیت ثبات** تلاش شد میزان پایداری داده‌ها در طول زمان و شرایط متفاوت بررسی شود، جهت دست‌یابی به این کار علاوه بر اینکه از طولانی شدن زمان جمع‌آوری داده‌ها (انجام مصاحبه ها) تا حد امکان خودداری شود و از همه مشارکت کنندگان راجع به یک موضوع پرسیده شود. **قابلیت انتقال** پذیری به این نکته اشاره دارد که نتایج یک مطالعه کیفی می‌تواند به یک محیط متفاوت دیگر نیز منتقل شود. جهت دست‌یابی به این کار، پژوهشگر پس از پایان یافتن مصاحبه‌ها، با چند پژوهشگر صحبت شد و اطلاعات جدیدی که نیاز به اصلاح باشد به دست نیامد. تاییدپذیری به عینیت کیفی گزارش طبیعت‌گرایانه کیفی اطلاق می‌شود. یعنی اینکه چقدر یافته‌های پژوهش عملا و واقعا مبتنی بر داده‌ها هستند. در این پژوهش محقق با یاداشت کردن تمام بینش‌ها، اسنادها، فایل‌های صوتی سعی نمود اطلاعات کافی را به طور مداوم ثبت و مستند سازی نماید تا از سوگیری‌های خود آگاه شود و آنها را در نتایج و تحلیل‌ها دخالت ندهد.

در مراحل ابتدایی کدها انسجام کمتری داشتند ولی به تدریج از انسجام بیشتری برخوردار شدند، داده‌های برگرفته از مجموع ۸ مصاحبه، بعد از حذف و همسان‌سازی کدهای مشابه و تکراری ۲۵۵ کد اولیه (کد باز)، ۱۲ زیر طبقه و ۶ طبقه اصلی استخراج شد. قابل ذکر است که نحوه شکل گیری هر یک از زیر طبقات و طبقات اصلی، بدین صورت بود که در گام اول، مفاهیمی که نقاط مشابهی داشتند در کنار همدیگر قرار داده می‌شدند و یک طبقه را تشکیل می‌دادند. در گام بعد، عنوان ابتدایی متناسب با مشخصه های آنها انتخاب و با افزایش تعداد طبقات، طبقات مشابه در یک طبقه کلی‌تر جای می‌گرفتند، و در پایان متناسب با جنبه‌های مشترک طبقات اصلی حاصل می‌شد. در زیر اطلاعات مربوط به مصاحبه شوندگان آمده است.

شرکت‌کنندگان در این پژوهش شامل ۸ نفر (۴ مرد و ۴ زن) بودند که طیفی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی را پوشش می‌دادند. محدوده سنی شرکت‌کنندگان بین ۳۴ تا ۵۲ سال بود که میانگین سنی آن‌ها حدود ۴۱/۵ سال را نشان می‌دهد. از نظر سطح تحصیلات، شرکت‌کنندگان دارای مدارک تحصیلی متنوعی از جمله دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد بودند. همچنین، شرکت‌کنندگان دارای ۲ تا ۳ فرزند بودند که نشان‌دهنده حضور والدین با تجربه فرزندپرستی در سطوح مختلف است.

یافته ها

مدت زمان مصاحبه‌ها به طور میانگین ۳۷ دقیقه و به طور تقریبی در بازه زمانی ۳۰ الی ۴۵ دقیقه بود. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها منجر ۶ طبقه اصلی و ۱۲ زیر طبقه شد. در جدول ۱ اطلاعات مربوط به هر کدام آمده است.

جدول ۱. نمونه هایی از چگونگی گسترش کدهای باز به سمت زیر طبقات، طبقات حاصل از تحلیل محتوا کیفی

کدهای اولیه (باز)	زیر طبقات	طبقات اصلی	درون‌مایه نهایی
ایجاد تنش بین اعضای خانواده دوری اعضای خانواده از هم	گسست خانوادگی و کاهش پیوندهای عاطفی	گسست روابط بین اعضای خانواده	پیامدهای فضای مجازی بر الگوی ارتباطی خانواده
تمایل به انزوا در فرزندان کاهش دورهمی‌ها و گپ و گفت‌ها	احساس تنهایی و انزوا در بین اعضای خانواده		
کمرنگ شدن شرکت در مناسک مذهبی در فرزندان اهمال کاری از انجام فرائض مذهبی	تضعیف باورهای دینی و اعتقادی		
ارجحیت یافتن خواست فرزندان نسبت به خواست والدین فرزند محوری	فرزندسالاری و تضعیف اقتدار والدین	تغییر در ارزش‌های خانواده	
ایجاد انتظارات غیر واقعی از زندگی ایجاد انتظارات غیر واقعی از روابط خانوادگی	شکل گیری انتظارات نامعقول در روابط بین اعضای خانواده		
مقایسه با دیگران در فضای مجازی چشم و هم چشمی با دیگران	مقایسه نادرست و چشم و هم چشمی در خانواده	تحریف واقعیت در روابط خانوادگی	
بلوغ زودرس تغییرات نامتناسب رشد ذهنی و فکری	بلوغ زودرس و رشد نامناسب فرزندان	مشکلات فرزند پروری	
تبدیل شدن هنجارهای تربیتی به غیر هنجار و برعکس تغییر در سبک زندگی	تغییر در تربیت وسبک زندگی اعضای خانواده		
وابستگی عاطفی به فضای مجازی آشفتگی ذهنی-رفتاری درباره فضای مجازی	وابستگی و اعتیاد رفتاری اعضای خانواده به فضای مجازی	افزایش ناسازگاری رفتاری در خانواده	
پرخاشگری و خشونت کلامی و غیرکلامی رشد بزهکاری و تنش در خانواده	رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت خانوادگی		
الگو قرار دادن شخصیت های مجازی و فیک خارج کردن والدین از الگو رفتاری	الگو پذیری نامناسب از فضای مجازی	تغییر در الگوهای فرهنگی خانواده	
عدم پایبندی در نقش‌پذیری فاصله گرفتن از نقش اصلی خود	تغییر در نقش‌ها		

در ادامه برای هر یک از طبقات اصلی استخراج شده از مصاحبه با شرکت‌کنندگان (والدین مورد مصاحبه) یک نمونه نقل قول مستقیم ارائه خواهد شد.

الف) گسست روابط بین اعضای خانواده: فضای مجازی می‌تواند با کاهش ارتباطات چهره به چهره و افزایش انزوای فردی، باعث گسست روابط بین اعضای خانواده شود. این امر به ویژه در خانواده‌هایی که اعضای آن زمان زیادی را صرف فعالیت‌های آنلاین می‌کنند، مشهود است. شرکت کننده شماره یک در این باره می‌گوید: «قبلا بین خانواده های ما ایرانی ها، به خصوص خودمون مرسوم بود واقعا نگاه می‌کردیم که دورهمی بود گپ و گفتی بود، همیشه کنار هم، اما مشکل ما این هست که الان فقط شده این شبکه مجازی که آدما دارن تنها میشن، انسان‌ها دارن از هویت اصلی خودشون فاصله می‌گیرند، یعنی مهمان نوازیا کمرنگ شده».

ب) تغییر در ارزش های خانواده: فضای مجازی می‌تواند با ارائه اطلاعات نادرست و تبلیغ باورهای مغایر با ارزش‌های خانواده، تضعیف باورهای ارزشمند اعضای خانواده را به دنبال داشته باشد. شرکت‌کننده شماره دو در این باره می‌گوید: «به نظر من مذهب خیلی اهمیت داره، ما الان میبینم که این فضای مجازی روی باورها تأثیر منفی گذاشته، آسیبش رو حتی ما تو بحث معنویت توی خانواده میبینم، مثلا من پسرم یه تایمی رفت مسجد بچه مسجدی شد ولی الان دیگه خیلی از این فضا دور شده، احساس میکنم یکی از دلایل عمده اش فضای مجازی است».

پ) تحریف واقعیت در روابط خانوادگی: فضای مجازی می‌تواند با ایجاد فاصله عاطفی، کاهش تعاملات واقعی، القای انتظارات غیرواقعی، مقایسه نامناسب و ترویج سبک زندگی ناسالم، موجب تحریف واقعیت در روابط خانوادگی شود. شرکت کننده شماره شش در این‌باره اشاره می‌کند به اینکه: «زندگی امروزی بچه ها یک زندگی مبتنی بر چشم و هم چشمی شده مثلا برای انتخاب لباس دوست دارن مثل دوستاشون بپوشن، خوراک مثل اونا باشه، مسافرت، حتی صحبت کردن و لهجه و اینارو تقلید می‌کنند. شاید بعضی از تقلیدها کورکورانه باشه چون نمی‌خوان از بقیه عقب بمونن یا بهشون بگن عقب مونده».

ت) مشکلات فرزند پروری: فضای مجازی می‌تواند چالش‌های متعددی را در زمینه فرزندپروری ایجاد کند. این چالش‌ها شامل؛ بلوغ زودرس در فرزندان، تغییر در شیوه تربیت و سبک زندگی فرزندان می‌شود. شرکت کننده شماره دو می‌گوید: «واقعاً این تاثیرو من دارم می‌بینم که بچه هام دچار بلوغ زودرس میشن و از اون حالت بچگیشون در میان، احساس می‌کنم مثلاً اون پسر من داره بیش از حد رشد می‌کنه رشدی که داره بهش آسیب میزنه نه اینکه بگم رشد فکری خوب، بلکه تغییری که داره واقعا آسیب بهش میزنه».

ث) افزایش ناسازگاری رفتاری در خانواده: فضای مجازی می‌تواند با ایجاد اختلال در ارتباطات خانوادگی، اعتیاد به فضای مجازی، و ترویج رفتارهای ناسازگارانه، پرخاشگری و... به افزایش ناسازگاری رفتاری در خانواده منجر شود. شرکت‌کننده شماره هشت در این‌بارهمی‌گوید: «وقتی که استفاده از فضای مجازی بی‌رویه باشه افراد درون خانواده حوصله همدیگر رو ندارند این بی حوصلگی ناشی از خستگی استفاده از فضای مجازیه ممکنه ناخواسته دچار بی حوصلگی بی حوصلگی می‌کنه فرد رو و این بی حوصلگی باعث میشه که روابط بین اعضا به شکل تنش زایی برقرار بشه درسته و این روابط مطمئن گرمی درون خانواده و روابط بین خانواده رو تحت تاثیر قرار میده و روز به روز ادامه پیدا می‌کنه».

ج) تغییر در الگوهای فرهنگی خانواده: فضای مجازی با تغییر در نحوه الگوپذیری، تغییر در نقش‌ها، و ارزش‌ها می‌تواند به طور قابل توجهی بر الگوی فرهنگی خانواده‌ها تأثیر بگذارد. شرکت کننده شماره پنج در این‌باره معتقد است: «بچه‌ها به جای رفتار و گفتارهای خانوادگی بیشتر از فضای مجازی تقلید می‌کنند، رفتار بشخصیت های فضای مجازی رو بیشتر دوست دارند. رفتار و گفتار اون هارو که می‌بینند یا می‌شنوند اونا رو تقلید کنند در نتیجه فاصله بین فرزندان و اولیا با خانواده‌ها زیاد شده».

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی دیدگاه والدین ایرانی درباره‌ی پیامدهای فضای مجازی بر الگوی ارتباطی خانواده انجام شد. نتایج یافته‌های پژوهش نشان داد که والدین ایرانی پیامدهای فضای مجازی بر الگوی ارتباطی خانواده را در شش محور اصلی تجربه می‌کنند که شامل مواردی همچون؛ گسست روابط بین اعضای خانواده، تغییر در ارزش‌های خانواده، تحریف واقعیت در روابط خانوادگی، مشکلات فرزندپروری، افزایش ناسازگاری رفتاری در خانواده، و تغییر در الگوهای فرهنگی خانواده است. این یافته‌ها بیانگر آن است که فضای مجازی، در بافت فرهنگی ایران، پدیده‌ای چندبعدی و تأثیرگذار بر بنیان‌های ارتباطی خانواده است.

تبیین یافته‌ها در رابطه با پیامدهای فضای مجازی منجر به گسست روابط بین اعضای خانواده نشان دهنده آن است که استفاده افراطی از رسانه‌های اجتماعی و ابزارهای دیجیتال موجب کاهش گفت‌وگوهای رودررو و ایجاد فاصله عاطفی بین والدین و فرزندان شده است. این یافته تا حدودی همسو با نتایج مطالعه Marbun and Nasution, (2024) است که بیان می‌دارد شبکه‌های اجتماعی موجب کاهش روانی و متوازن بودن ارتباطات میان اعضای خانواده می‌شوند. همچنین، Indah et al. (2023) نیز به نقش حواس‌پرتی ناشی از فناوری در کاهش تعاملات معنادار والد ـ فرزند اشاره دارند. بنابراین، فناوری اگرچه امکان ارتباط سریع را فراهم می‌آورد، اما می‌تواند عامل گسست عاطفی بین اعضای خانواده نیز باشد. این یافته را می‌توان بر اساس نظریه الگوهای ارتباطی خانواده تبیین کرد. بر اساس این نظریه، تداوم روابط خانوادگی مستلزم وجود گفت‌وگوهای مکرر، تبادل هیجانی و تعاملات رودررو میان اعضای خانواده است(Koerner & Fitzpatrick, 2002) . هنگامی که بخش قابل توجهی از زمان و توجه اعضا صرف تعاملات آنلاین می‌شود، فرصت شکل‌گیری گفت‌وگوهای خانوادگی کاهش یافته و انسجام ارتباطی خانواده تضعیف می‌شود. در همین راستا، Nobakht et al. (2026) نیز در یک مطالعه طولی شش‌مرحله‌ای نشان دادند که استفاده گسترده از رسانه‌های اجتماعی با افت کیفیت روابط خانوادگی و کاهش احساس پیوند میان اعضای خانواده همراه است.

جهت تبیین پیامدهای فضای مجازی در زمینه‌ای که منجر به تغییر در ارزش‌های خانواده می‌شود، می توان گفت یافته‌ها بیشتر نمایانگر آن است که فضای مجازی می‌تواند ارزش‌هایی همچون؛ هم‌نشینی خانوادگی، گفت‌وگوهای سازنده بین اعضای خانواده و تعاملات مشترک آنها را با مشکل مواجهه نماید و به جای ارزش‌های مشترک خانواده، ارزش‌های فردگرایانه حاکم شوند. چنین نتیجه‌ای هم باور دینی حاکم بر خانواده و هم الگوهای ارزشی مرتبط با خانواده را دستخوش تغییر خواهد نمود. چنین نتیجه ای تا حدودی همسو با مطالعه Anisti et al. (2023) است که در پژوهشی چنین دریافتند، چنانچه که اعضای خانواده بیش از پیش به حضور مداوم در فضای مجازی گرایش پیدا نمایند این امر بر اولویت‌گذاری ارزش‌های خانوادگی تأثیر خواهد گذاشت، به گونه‌ای که این تغییر ارزشی، خانواده را در معرض تضعیف پیوندهای سنتی قرار می‌دهد و حتی می‌تواند باورهای معنوی مشترک بین اعضای خانواده را تضعیف نماید. این یافته با نظریه نظام‌های خانواده نیز قابل تبیین است. بر اساس این دیدگاه، خانواده یک نظام اجتماعی مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای مشترک است و هر عاملی که الگوهای تعامل و انتقال ارزش‌ها را تغییر دهد، می‌تواند موجب بازتعریف ارزش‌های خانوادگی شود (Bowen, 1978). فضای مجازی با فراهم ساختن دسترسی مستمر به الگوهای فرهنگی متنوع، زمینه جایگزینی تدریجی ارزش‌های جمع‌گرایانه با گرایش‌های فردگرایانه را فراهم می‌کند. یافته‌های Ben Lahbib et al. (2025) نیز نشان داد که رسانه‌های اجتماعی با ایجاد اشکال جدید تعامل، در بازسازی ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند.

یکی دیگر از پیامدهای فضای مجازی بر الگوی ارتباطی خانواده، ایجاد تحریف واقعیت در بین اعضای خانواده بود. جهت تبیین چنین یافته‌ای میتوان گفت از آنجایی که فضای مجازی در بسیاری از مواقع محتوایش از واقعیت سرچشمه نمی‌گیرد، بنابراین گاهاً فریبنده و به دور از واقعیت است، اما از آنجایی که مردم نسبت به فضای مجازی و محتوای آن گرایش دارند، در برخی از مواقع آگاهانه و یا غیر آگاهانه محتوای آن را به عنوان الگو می‌پذیرند، چنین وابستگی‌هایی به ارتباطات آنلاین گاهی جایگزین تعاملات

واقعی و عمیق می‌شود که پیامدهای نامطلوبی را برای اعضای خانواده به دنبال خواهد داشت. Marbun and Nasution, (2024) در این رابطه تأکید دارند که رسانه‌های اجتماعی نوعی ارتباط غیرواقعی ایجاد می‌کنند که موجب سوءبرداشت میان والدین و فرزندان می‌شود. این تحریف واقعیت می‌تواند منجر به فاصله گرفتن اعضا از تجربه‌های عاطفی اصیل گردد. در فضای مجازی، نمایش گزینشی زندگی افراد و بازنمایی غیرواقعی روابط انسانی می‌تواند انتظارات اعضای خانواده از یکدیگر را تغییر دهد و زمینه‌ساز نارضایتی و سوءبرداشت شود. در تأیید این موضوع، Jung (2026) نشان داد که نحوه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ادراک افراد از زمان و ارتباطات آنلاین می‌تواند بر کیفیت ارتباطات خانوادگی و دریافت حمایت اجتماعی تأثیرگذار باشد.

از طرفی دیگر نتایج نشان داد که فضای مجازی می‌تواند چالش‌های متعددی را در زمینه فرزندپروری در خانواده ایجاد کند. چالش‌هایی از قبیل؛ بلوغ زودرس در فرزندان، تغییر در شیوه تربیت و سبک زندگی فرزندان، بنابراین می‌توان گفت یکی از پیامدهای فضای مجازی بر الگوی ارتباطی خانواده مشکلات فرزندپروری است که به شدت متاثر از پیچیدگی‌های فناوری است. یافته حاضر را می‌توان در چارچوب رویکرد اکولوژیک نیز تبیین کرد. بر اساس این رویکرد، رشد کودک حاصل تعامل مستمر میان خانواده و محیط‌های اجتماعی پیرامون است (Bronfenbrenner, 1979). فضای مجازی به عنوان یک محیط تأثیرگذار جدید، بخشی از فرایند اجتماعی‌شدن فرزندان را از خانواده به رسانه‌ها منتقل کرده است. در نتیجه، والدین با چالش‌هایی نظیر کاهش نظارت مستقیم، تغییر منابع یادگیری و افزایش تأثیرپذیری فرزندان از الگوهای بیرون از خانواده مواجه می‌شوند. پژوهش Su et al. (2025) نیز نشان داد که الگوهای ارتباطی والد ـ فرزند در زمینه هیجان‌های منفی با استفاده مسئله‌ساز از فناوری و رسانه‌های اجتماعی ارتباط دوسویه دارد. از سوی دیگر، وابستگی بیش از حد به فناوری و کاهش نظارت مستقیم والدین می‌تواند منجر به افزایش ناسازگاری رفتاری در خانواده شود. در این راستا، نتایج یافته‌های Marbun and Nasution (2024) نشان داد که کاهش تعاملات رودررو و افزایش فردگرایی منجر به تضعیف نظم ارتباطی در خانواده می‌شود. همچنین، Tambunan et al. (2024) در مطالعه خود بر خانواده‌های دارای کودکان با نیازهای ویژه تأکید کردند که الگوهای حمایتی و بی‌طرفانه بیشترین نقش را در کاهش تعارض و ناسازگاری دارند، در حالی که نبود چنین الگوهایی می‌تواند مشکلات رفتاری را تشدید کند.

یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر این مهم است که پیامدهای فضای مجازی بر الگوی ارتباطی خانواده می‌تواند منجر به تغییر در الگوهای فرهنگی خانواده‌ها شود؛ به‌گونه‌ای که نقش ها را تغییر نماید، فعالیت‌های جمعی مانند صرف وعده‌های غذایی یا بازی‌های خانوادگی جای خود را به سرگرمی‌های فردی دهد، بنابراین به جای الگو قرار دادن والدین و افراد مهم از سوی فرزندان، الگوهای غیر واقعی و نامناسب انتخاب شود. در این راستا، Anisti et al. (2023) معتقدند که برای جلوگیری از فرسایش تعاملات خانوادگی، مدیریت هوشمندانه زمان استفاده از فناوری ضروری است. همچنین Sihombing et al. (2024) بر اساس نتایج پژوهش خود پیشنهاد نمودند که والدین از فعالیت‌های جایگزین مانند بازی‌های سنتی و تعاملات خانوادگی برای کاهش وابستگی به فضای مجازی بهره بگیرند. این شواهد نشان می‌دهد که فرهنگ ارتباطی خانواده‌ها در عصر دیجیتال در حال بازتعریف است. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، کودکان و نوجوانان بخش قابل توجهی از نگرش‌ها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری خود را از طریق مشاهده و الگوبرداری از محیط پیرامون کسب می‌کنند (Bandura, 1977). با گسترش فضای مجازی، منابع الگودهی از محیط خانواده فراتر رفته و به سمت تولیدکنندگان محتوا، اینفلوئنسرها و شبکه‌های اجتماعی سوق یافته است؛ در نتیجه، فرایند انتقال ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی در خانواده با تغییر مواجه می‌شود. در تأیید این موضوع، پژوهش Adejumo (2025) نشان داد که رسانه‌های دیجیتال در شکل‌گیری نقش‌های اجتماعی، هویت و فرایند اجتماعی‌شدن کودکان اثرگذار بوده و می‌توانند میان ارزش‌های سنتی خانواده و الگوهای فرهنگی ارائه‌شده در فضای دیجیتال نوعی تعارض ایجاد کنند.

در نهایت بررسی این شش طبقه نشان داد که فضای مجازی می‌تواند منجر به گسست در الگوی ارتباطی خانواده شود. با این حال، یافته‌های این پژوهش در امتداد ادبیات پیشین تأکید دارد که خانواده‌ها باید به جای حذف کامل فضای مجازی، به سمت

مدیریت انعطاف‌پذیر و آگاهانه آن حرکت کنند. بدین ترتیب، می‌توان از فرصت‌های فناوری برای تقویت انسجام خانوادگی بهره برد و در عین حال، تهدیدهای ناشی از آن را به حداقل رساند. همچنین پیشنهاد می‌شود والدین با در نظر گرفتن موارد زیر و ایفای مسئولیت خود گام مهمی در جهت کاهش پیامدهای ناشی از فضای مجازی بر الگوی ارتباطی خانواده بردارند، مواردی همچون؛ آگاهی پیدا کردن از مسائل به روز خانواده، صمیمیت و رفاقت با فرزندان، صرف نمودن وقتی از خانواده جهت تفریح و اوقات فراغت مشترک با فرزندان، ایجاد صمیمیت و رفاقت با فرزندان، آموزش فرهنگ استفاده از فضای مجازی، ایجاد فضایی از اعتماد و گفتگو بین اعضای خانواده، تعیین قوانین با همفکری اعضای خانواده باید یکدیگر.

پژوهش حاضر نیز همچون هر مطالعه‌ای دارای یکسری از محدویت‌ها بود، از جمله اینکه به دلیل محدودیت زمانی و مالی نمونه مورد مطالعه صرفا شامل والدین بود، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی هم از نمونه متخصصان و هم خود فرزندان مصاحبه بعمل آید. پیشنهاد می‌شود که مشاوران و والدین از نتایج این مطالعه جهت کاهش پیامدهای روانشناختی فضای مجازی در کودکان بهره بگیرند.

تشکر و سپاسگزاری

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند که از تمامی شرکت‌کنندگان جهت شرکت در پژوهش تشکر و قدردانی نمایند.

تعارض منافع

هیچگونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

بیانیه استفاده از هوش مصنوعی

نویسندگان اظهار می‌دارند که در هیچ‌یک از مراحل تهیه، نگارش، ویرایش، تحلیل، ترجمه یا آماده‌سازی این مقاله از ابزارهای هوش مصنوعی مولد یا فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی استفاده نشده است.

تأییدیه اخلاقی

بر اساس اظهار نویسندگان تمامی مراحل پژوهش مطابق با ضوابط و اصول اخلاق در پژوهش اجرا شده است.

References

Adejumo, A. I. (2025). The role of family communication in shaping gender roles and socialization in children in a digital world. *International Journal of Social Science Exceptional Research*, *4*(3), 65–71. https://doi.org/10.54660/IJSSER.2025.4.3.65-71

Alwuqaysi, B. (2025). A systematic review and meta-analysis of social media's influence on mental health, family functioning, and visual content. *Social Sciences & Humanities Open*, 12, 101793. https://doi.org/10.1016/j.ssaho.2025.101793

Amirudin, Z., Ida, R., & Wahyudi, I. (2025). Political message disruption in family communication patterns on social media. *Interaksi; Jurnal Ilmu Komunikasi*, 14 (2), 267-284. https://doi.org/10.14710/interaksi.14.2.267-284.

Anisti, A., Tambunan, R. M., Sidharta, V., Sampin, S., & Siaitir, S. (2023). Family communication patterns in the era digital technology. *ARRUS Journal of Social Sciences and Humanities*, *3*(6), 750-756. https://doi.org/10.35877/soshum2225

Bandura, A. (1977). *Social Learning Theory.* Prentice Hall.

Ben Lahbib, S., Touhami, M., Boukhalkhal, A., & Djaafoura, M. (2025). Social Media and the Reshaping of Family Interaction Patterns, *The Annals of Dunarea de Jos University of Galati. Fascicle XX, Sociology*, (20), 73-87. https://doi.org/10.35219/sociologie.2025.20.07.

Bowen, M. (1978*). Family Therapy in Clinical Practice*. Jason Aronson.

Bronfenbrenner, U. (1979). *The Ecology of Human Development*: Experiments by Nature and Design. Harvard University Press.

Dai, L., Jin, W., Zhu, B., Liao, R., Xu, G., Jiang, H., & Guan, J. (2025). Exploring the role of social media in mathematics learning: effects on self-efficacy, interest, and self-regulation. *BMC Psychology*, *13*, 829. https://doi.org/10.1186/s40359-025-03192-z

Dalimunthe, M. A., Irawanto, B., & Budiawan. (2020). Representation of Papuan identity in the reporting of local newspapers in Yogyakarta. *International Journal of Social Science Research*, *2*(3), 34–44. https://doi.org/10.70489/opini.v1i2.323

Dalimunthe, M. A., Suhendar, A., Ritonga, A. R., Nasution, F. A., Nasution, L. N., & Batubara, P. E. O. (2024). Effectiveness of waste management site reduce, reuse, recycle program in improving ecological citizenship. *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science*, *1352*(1), 012040. https://doi.org/10.1088/1755-1315/1352/1/012040

Esmaeili M, Radfar M, Baseri A. Sociological Study of the Consequences of Social Networks on the Cultural Identity of Young People (Case Students of the Faculty of Social Sciences University of Tehran). Scds 2021; 10 (1) :210-245 http://scdsjournal.ir/article-1-1387-fa.html

Haj Mohammadi, F & Haj Mohammadi, S. (2017). The ethical effects of using cyberspace on marital bonding and children's relationships in the family. *Quarterly Journal of Applied Ethics Studies*, *13*(50), 11-37. https://doi.org/10.22081/jare.2018.49851.1175

Hertlein, K. M., & Ancheta, K. (2014). Advantages and disadvantages of technology in relationships: Findings from an open-ended survey. *The Qualitative Report*, *19*(11), 1–11. https://doi.org/10.46743/2160-3715/2014.1260

Idoiaga-Mondragon, N., Gaztañaga, M., Legorburu Fernandez, I., Ozamiz-etxebarria, N. (2025). Parental concerns about children's smartphone use: from personal misuse to societal impacts. *J Child Fam Stud* 34, 2276–2289. https://doi.org/10.1007/s10826-025-03130-y

Indah, A. J., Nurhayati, S., & Taufikin. (2023). Modern parenting challenges: Parents-child communication barriers and solutions in the digital era. *Journal of Communication Studies*, *12*(2). https://doi.org/10.33373/dms.v14i1.7382

Jafari, N, Etemadi, O, & Asemi, A. (2016). *Family and Computer and Internet Harm*. Yar Mana Publications.

Jung, E. H. (2026). Connecting generations: The roles of age, time perception, and Facebook in family communication. https://doi.org/10.1111/fare.70163.

Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2002). Toward a theory of family communication. *Communication Theory*, 12(1), 70–91. https://doi.org/10.1111/j.1468-2885.2002.tb00260.x.

Krippendorff, K. (2004). *Content analysis: an intruduction to its methodology*, thousand oaks, california. Sage publictions Inc

Lincoln, Y.S. and Guba, E.G. (1986) But Is It Rigorous? Trustworthiness and Authenticity in Naturalistic Evaluation. *New Directions for Program Evaluation*, 1986, 73-84. https://doi.org/10.1002/ev.1427

Mahmoudi, S., Mazidi Sharafabadi, A. M., & Islami, H. (2023). Modeling social harms of adolescents in virtual social networks. *Iranian Evolutionary Educational Psychology*, *5*(1), 182–191. https://doi.org/10.52547/ieepj.5.1.82

Marbun, L. A., & Nasution, D. R. (2024). The influence of social media on family communication patterns in the digital era. Opini. *Journal of Communication and Social Science*, *1*(2), 34–39. https://doi.org/10.70489/opini.v1i2.324

Memar, S. , Adlipoor, S. & Khaksar, F. (2013). Virtual social networks and identity crisis (with emphasis on identity crisis in iran). *Social Studies and Research in Iran*, 1(4), 155-176. https://doi.org/10.22059/jisr.2013.36574[In Persian]

Nobakht, H. N., Wichstrøm, L., & Steinsbekk, S. (2026). Social media use and the quality of family relationships: A six-wave longitudinal study of within-family effects from age 10 to 20. *Journal of Youth and Adolescence*, *55*, 1361–1373. https://doi.org/10.1007/s10964-026-02362-5.

Sihombing, L., Sidharta, V., & Arlena, W. M. (2024). Parental communication patterns in reducing children's dependence on playing gadgets. *Journal of Family Communication Studies*, *5*(1), 456-465. https://doi.org/10.37826/spektrum.v12i4.783.

Su, Z., L. Lin, Z. Li, and R. Ding. (2025). Bidirectional relationships between family communication patterns of adolescents' negative emotions and problematic technology use: A random intercept cross-lagged panel model analysis." *Journal of Adolescence,* 98: 407–423. https://doi.org/10.1002/jad.70070.

Tabatabaei, S., Bulgarova, B. A., Kotecha, K., Patil, S., Volkova, I. I., & Barabash, V. V. (2024). Digital citizenship and paradigm shift in Generation Z's emotional communication: Social media's role in shaping Iranian familial bonds. *Journal of Infrastructure, Policy and Development*, *8*(7), 5443. https://doi.org/10.24294/JIPD.V8I7.5443

Tadpatrikar, A., Sharma, M. K., & Viswanath, S. S. (2021). Influence of technology usage on family communication patterns and functioning: A systematic review. *Asian Journal of Psychiatry*, *58*, 102595. https://doi.org/10.1016/j.ajp.2021.102595

Tambunan, R. M., Hanafi, D., & Ibrahim, F. (2024). The influence of family communication patterns on parenting agreements for children with special needs. Lontar: *Journal of Communication Sciences*, *12*(1), 274-283. https://doi.org/10.30656/lontar.v12i1.7969

Wang, S. Y., Mei, X., Hsieh, M. L., Cao, L., & Li, Z. S. (2025). Cyber victimization and social cohesion: Unraveling correlates of cyberbullying and cyberstalking in Canada. International Journal of Law, *Crime and Justice*, *82*, 100588. https://doi.org/10.1016/j.ijlcj.2025.100766

Yulia, R., & Sidharta, V. (2023). Model komunikasi kegiatan remote working. *JIKA (Jurnal Ilmu Komunikasi Andalan*), *6*(2), 145–154. https://doi.org/10.31949/jika.v6i2.6729

Zhan, W., & You, Z. (2024). Family communication patterns, self-efficacy, and adolescent online prosocial behavior: A moderated mediation model. *Humanities and Social Sciences Communications, 11, 658*. https://doi.org/10.1057/s41599-024-03202-2